



پیامدهای پرونده هسته‌ای بر روابط ایران و سازمان همکاری شانگهای (۲۰۲۲ - ۲۰۱۸)

زهره فتحیان^۱، رحمان حریری^۲، فرزاد رستمی^۳

۳۲

چکیده

سازمان همکاری شانگهای، سازمانی منطقه‌ای و بین‌المللی با توانمندی و پتانسیل‌های فراوان می‌باشد که عضویت ایران در آن به مثابه مزیتی مهم در سیاست خارجی محسوب می‌شود. اما در سال‌های اخیر، با تبدیل شدن مناقشه هسته‌ای به اصلی‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران، این مهم، مزیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده. بنابراین مهم است به این موضوع پرداخت که تنها عضویت صرف در یک نهاد منطقه‌ای تا زمانی که تأثیرپذیرازمسائل امنیتی و دیگر قدرت‌های بین‌المللی می‌باشد را نمی‌توان بیانگر بهره‌مندی تمام از مزایای عضویت تلقی کرد. لذا پرسش اصلی که پژوهش حاضر را راهبردی می‌کند، این می‌باشد که پرونده هسته‌ای چه تأثیری بر روابط ایران و سازمان همکاری شانگهای دارد؟ فرضیه‌ای که طراحی شده و با استفاده از ترکیب روش تاریخی و تحلیلی - توصیفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که؛ به نظر می‌رسد برای ایران، عضویت در سازمان همکاری شانگهای با انگیزه پیگیری مزایای ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بوده است. با این حال، توانایی ایران برای استفاده کامل از مزایای عضویت در سازمان همکاری شانگهای به دلیل مناقشه هسته‌ای ادامه دار و نظم نهادی گسترده‌تر حاکم بر روابط بین‌الملل محدود شده است. بدین جهت هدف پژوهش حاضر؛ واکاوی پیامدهای پرونده هسته‌ای بر روابط ایران و شانگهای درچارچوب نهادگرایی نئولیبرال می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: پرونده هسته‌ای، ایران، شانگهای، سیاست خارجی، نهادگرایی نئولیبرال.

دوره ۹، شماره ۱، پیاپی ۳۲

بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۲۶

صص: ۱۹۳-۱۶۷

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

r.hariri@razi.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

یکی از روندهای غالب در ساختار جدید روابط بین‌الملل، نقش رژیم‌ها و نهادهای فراملی در شکل‌گیری فرایندهای همکاری و همگرایی میان بازیگران است که برخی از نظریه پردازان (مانند نظریه پردازان لیبرال) براین باورند این نهادهای بین‌المللی جدید به دلیل نفوذ سیاسی و اقتصادی در مسائل جهانی، همانند دولت‌های ملی کنشگرانی مهم و تاثیرگذار در معادلات بین‌المللی محسوب می‌شوند و به‌عنوان بازیگرانی مستقل و مقتدر عمل می‌نمایند.

از مهم‌ترین این روندها "سازمان همکاری شانگهای"^۱ یک سازمان بین‌المللی بین دولتی منطقه‌ای است که در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ میلادی میان روسای جمهور کشورهای جمهوری خلق چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان به وجود آمد. هدف اصلی این سازمان همانگونه که در منشور آن بیان شده است مبارزه با سه شر "تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی"^۲ می‌باشد. در ابتدا این سازمان به عنوان ترتیبات منطقه‌ای بود که با هدف توسعه اقدامات اعتمادسازی امنیتی در مرزهای کشورهای عضو، پایه‌ریزی شد. ولی به تدریج با پیدا کردن حیات مستقل، در کنار مسائل امنیتی، موضوعات گسترش روابط در زمینه‌های دیگر مانند مسائل اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفت. لذا می‌بینیم که علاوه بر تهدید، منافع مشترک نیز می‌تواند از علل گرایش دولت‌ها به چند جانبه‌گرایی باشد.

در واقع، امروزه الزام اجرای راهبرد چند جانبه‌گرایی در بخش تجارت خارجی جزء اولویت سیاست‌های اقتصادی کشورهای مختلف جهان است. زیرا در روابط میان کشورها، دنبال کردن و دستیابی به منافع ملی مهم‌ترین گزاره در تصمیم‌گیری است و یکی از رویکردهایی که می‌توان با آن به این منافع دست یافت، پیوندهای چند جانبه و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. بدین جهت سال‌هاست که همکاری‌های منطقه‌ای، به‌عنوان راهبردی اصولی برای تامین منافع و برون رفت از چالش با قدرت‌های فرا منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران بوده و بر همین پایه همواره در مواضع و سخنان تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور مطرح و بازگو شده است. کوشش برای گسترش پیوند به سازمان‌ها و تشکل‌های منطقه‌ای نظیر سازمان همکاری شانگهای را می‌توان نمود چنین سیاستی دانست که بعد از قریب به دو دهه تلاش سرانجام در اجلاسیه بیست و یکم سران در سال ۲۰۲۱ به این سازمان

1 - Shanghai Cooperation Organization

2 - Terrorism, separatism and extremism

پیوست. اما همواره مسئله‌ی اساسی چالش‌های فراملی می‌باشد که به نوعی ایران با آن مواجه است. از جمله این چالش‌ها که در دو دهه‌ی اخیر به یکی از مهم‌ترین مسائل و دستور کارهای جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده‌است؛ پرونده هسته‌ای می‌باشد. بنابراین راهبرد و الویتی که به تعامل ایران با سازمان شانگهای موجب شده است بیشتر متکی بر محورهای سیاسی و اقتصادی، به علاوه برخی واقعیت‌ها و رویکرد مشترک دیگر نیز که در این امر سهیم بوده‌اند، می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر با استناد به نظریه نهادگرایی نئولیبرال در صدد بررسی نقش پرونده هسته‌ای به عنوان نهاد بین‌المللی هنجارساز، بر روابط ایران و سازمان همکاری شانگهای می‌باشد و فرضیه مقاله اینگونه قابل طرح است که؛ به نظر می‌رسد ایران تحت شرایط و عوامل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی جهت بهره‌مندی از منافع ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیک به سمت شانگهای گرایش داشته است. اما بهره‌مندی از مزایای عضویت برای ایران در شانگهای، تاثیرپذیراز مناقشه‌ی هسته‌ای و به عبارتی با نوعی محدودیت که نظم مبتنی بر نهادها ایجاد نموده، مواجه است. پژوهش حاضر بر ترکیبی از روش تاریخی و توصیفی - تحلیلی متمرکز است. این مطالعه بر روش تاریخی که شامل بررسی، ثبت و تجزیه و تحلیل رویدادهای گذشته می‌باشد، در پی آن است که روابط و تعاملات جمهوری اسلامی ایران با مجامع، سازمان و نهادهای بین‌المللی را در یک سیر تاریخی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. وبا شناخت این تعاملات می‌تواند جایگاه این بازیگران را در بطن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را توصیف و تحلیل، و با گردآوری اطلاعات موجود در این زمینه ما را در ارائه راهکارهایی برای ارتقای تعاملات با این بازیگران یاری نماید. در واقع روش توصیفی - تحلیلی که مبتنی بر توصیف کردن رویدادها و متغیرهای سیاسی در پژوهش است، به تحلیل واقعیت سیاست خارجی و تغییرات رخ داده در مسیر دیپلماسی ایران و تاثیر آن بر تغییر قدرت‌ها و نقش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در منطقه می‌پردازد. لذا در این تحقیق با توجه به ماهیت گسترده پژوهش و به دنبال آن محدودیت دسترسی به منطقه مورد مطالعه، شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای که شامل کتاب، مقاله و گزارش‌های منابع رسمی، استفاده از نشریات و جستجوی رایانه‌ای بوده و تحلیل مطالب نیز به صورت کیفی و در مواردی به شکل کمی (داده و آمار) انجام شده است. که از این منظر می‌تواند برای درک واقعیت‌های اجتماعی بسیار سودمند باشد. بدین معنا، تلاش می‌شود نقش پرونده هسته‌ای به عنوان متغیر مستقل بر روابط ایران و شانگهای به عنوان متغیر وابسته مورد تحقیق و بررسی قرارگیرد. درواقع هدف واکاوی تاثیراتی است که پرونده

هسته‌ای بر روابط ایران و شانگهای دارد. پرداختن به این موضوع از این جهت مهم و حائز اهمیت است که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیک ایران و دوچندان شدن اهمیت تاثیرگذاری این مولفه‌ها با عضویت در سازمان همکاری شانگهای بر تحولات منطقه و جهان، جمهوری اسلامی ایران بی شک از نقش تاثیرگذارتری در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار می‌گردد اما وجود بحران‌هایی که ایران در بحث هسته‌ای با آن مواجه است می‌تواند به محدودسازی فعالیت‌ها، آزادی عمل و یا به عبارتی عملکرد موثر ایران در این عرصه منجر گردد. لذا شناخت پیامدهای پرونده هسته‌ای بر روابط ایران و شانگهای به عنوان یک عمل تاثیرگذار بر منافع ملی ما از جایگاه بالایی در عرصه سیاسی برخوردار است. چارچوب نظری برگزیده شده جهت برقراری روابط میان این متغیرها، نظریه نهادگرایی نئولیبرال می‌باشد.

2- چارچوب نظری پژوهش

2-1. مجموعه امنیت منطقه ای^۱

اصطلاح مجموعه امنیتی منطقه‌ای نخستین بار، در دهه ۶۰ میلادی در پژوهش‌های ویلیام تامس و گراید به کار رفت. به باور آنها مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارت است از مجموعه متشکل از دولت‌هایی است که حفظ امنیت هر یک در گروه حوزه امنیت دیگری و تهدید امنیت یک یار به منزله تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود. اما بوزان آیین گزاره را به طور گسترده‌ای در نوشته‌های خود گنجانده است و به عنوان یک مفهوم کلیدی در ادبیات روابط بین‌الملل وارد شد (جمشیدی، مهکویی، گودرزی و مومنی، ۱۳۹۹: ۸).

در واقع، فروپاشی جهان دوقطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر سامانه بین‌المللی، بوزان را بر آن داشت تا در ویرایش دوم کتاب "مردم، دولتها و هراس"^۲ در سال ۱۹۹۱ نظریه مجموعه امنیت منطقه را مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان را پس از جنگ سرد ارائه دهد (جمشیدی، مهکویی، گودرزی و مومنی، ۱۳۹۹: ۴). بوزان با ارائه یک تعریف جامع، مجموعه امنیتی

1 -Regional Security Complex

2 -Buzan

3 - People, Governments and Fear

منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کند: تعدادی از کشورها که در یک حوزه جغرافیایی مشخص و مرتبط پیرامون هم قرار دارند و حفظ امنیت یکی به منزله حفظ امنیت سایرین بوده و تهدید امنیت یک عضو به مثابه تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود (Buzun, 1399: 115)

طبق نظر یوزان در هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای، شاخصه‌هایی وجود دارد که علل و انگیزه‌ی نزدیکی کشورهای عضو به یکدیگر می‌باشند شامل: اول؛ حوزه جغرافیایی مشترک دوم؛ منافع مشترک سوم؛ تهدیدات مشترک چهارم؛ داشتن الگوی دوستی و دشمنی پنجم؛ همانندی‌ها و تشابهات نژادی یا فرهنگی (جمشیدی، مهکویی، گودرزی و مومنی، ۱۳۹۹: ۹). می‌توان با جرئت کشورهای آسیای مرکزی را دارای همه ویژگی‌ها و مشخصه‌های لازم مجموعه امنیتی دانست. پتانسیل‌های فراوان منافع مشترک اقتصادی در حوزه انرژی و مسیرهای انتقال انرژی در آسیای مرکزی، قرابت جغرافیایی، تهدیدات و چالش‌های امنیتی مشترک؛ ترس و هراس از حضور دولت‌های بزرگ غربی و دخالت آنها به ویژه آمریکا و ناتو از یک طرف و از سوی دیگر فراگیر شدن تهدیدات مربوط به مسئله تروریسم و لزوم همکاری با ایران در این زمینه ممکن است باعث گسترش روابط امنیتی میان ایران و اعضای سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی شود. که این مهم، فرصت سودمندی برای مطرح ساختن منافع و خواسته‌های ملی - منطقه‌ای ایران را در سطح جهانی فراهم می‌کند و کاهش حجم تهدیدها، ارتقای سطح مشارکت و همکاری‌ها در زمینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی و در نهایت افزایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را در پی خواهد داشت.

2-2. نهادگرایی نئولیبرال^۱

و اما نظریه‌ای که ساختار مقاله بر آن استوار است نظریه "نهادگرایی نئولیبرال" یا نئولیبرالیسم می‌باشد که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در عرصه روابط بین‌الملل ظهور کرد. این نظریه یکی از نظریه‌های پوزیتیویستی روابط بین‌الملل محسوب می‌شود که دارای قدرت تبیین بسیار بالایی به ویژه در تعاملات میان قدرت‌های بزرگ است. این نظریه تلاشی جهت ایجاد سازش بین رهیافت‌های نئو کارکردگرایی^۲ و نئو واقع‌گرایی^۳ و به نوعی سنتزی از نئو واقع‌گرایی و نئو کارکردگرایی است (دهقانی فیروزآبادی و جعفری، ۱۴۰۰: ۴). در

1 - Neoliberal institutionalism

2 - Neofunctionalism

3 - Neorearism

واقع، این نظریه که در چارچوب پارادایم لیبرالیسم ارائه شد، از نظریه‌های لیبرالی چون نوکارکردگرایی، فراملی گرای، وابستگی متقابل و به ویژه نظریه رژیم‌های بین‌المللی تأثیرپذیرفته است. اما با این حال، از یک سو، قرائت و تفسیر جدیدی از اصول و مفروضه‌های لیبرالیسم ارائه می‌دهد و از سوی دیگر بعضی از اصول و مفروضه‌های نو واقع‌گرایی را می‌پذیرد (دهقانی فیروزآبادی، 1394: 199). نهادگرایی نئولیبرال به مانند نئواقع‌گرایی، دستورالعملی برای اصلاح یا تحول اساسی نظام بین‌الملل ارائه نمی‌کند و نظریه حفظ نظام مربوط می‌شود. به این معنی که طرفداران آنها از نظام بین‌الملل موجود و بازیگران، ارزش‌ها و ترتیبات قدرت در آن راضی هستند. نظریه نهادگرایی نئولیبرال، رویکردی کارکردی نسبت به رژیم‌های بین‌المللی دارد و سعی می‌کند تاسیس و رشد نهادها را با توجه به کارکردی که آنها در نظام بین‌الملل دارند، توضیح دهد. این نظریه تلاش می‌کند با استفاده از اصول و پیش فرض‌های نئواقع‌گرایی، میزان و درجه نهادینگی در سطح بین‌المللی را توضیح دهد. علاوه بر این به مانند نئوکارکرد گرایان، از نظر نهادگرایان نئولیبرال مسئله اصلی برای پژوهش این است که چگونه می‌توان همکاری را در نظام بین‌الملل هرج و مرج آمیز و رقابتی تقویت کرد؟ (دهقانی فیروزآبادی، 1400: ۴). در واقع نهادها محیط پذیرا و حمایت کننده را برای اجرای گفتمان مناسب به میزان بسیار بیشتری نسبت به زمانی که افراد در انزوا کار می‌کنند فراهم می‌کند (Hass & others, 2001: 21) به طور کلی هسته مرکزی نهادگرایی نئولیبرال را پنج فرض یا پیش فرض تشکیل می‌دهد که عبارتند از: رویکرد نظام‌مند و نظام محور به روابط بین‌الملل - نظام بین‌الملل فاقد اقتدار مرکزی (آنارشیک) است - کشورها و دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران روابط بین‌الملل هستند که در پی دستاوردهای مطلق می‌باشند - کشورها بازیگرانی عاقل هستند که بر پایه عقلانیت اقدام می‌کنند - و نهایتاً این که نهادهای بین‌المللی دارای هویتی مستقل هستند. (دهقانی فیروزآبادی، 1394: 201-199) از نظر نهادگرایان نئولیبرال آنارشی (نبود دولت مرکزی در عرصه سیاست جهان) به معنی نبود یک جامعه بین‌المللی هر چند تفکیک شده نیست. در عین حال، بیان اینکه عرصه سیاست غیرمتمرکز است، به این معنی نیست که کاملاً خالی از نهادها است. در دنیای غیرمتمرکز ممکن است روابط با دوام بین بازیگران در برخی موضوعات برقرار شود، در حالی که در زمینه‌های دیگر چنین نباشد. ممکن است بازیگران در برخی موضوعات از طریق سازمان‌های بین‌المللی به همدیگر عمیقاً مرتبط شوند، اما در زمینه‌های دیگر، روابط جدی وجود داشته باشد (keohane & others, 1985: 2). درواقع همکاری در سیاست جهانی سخت است، هیچ حکومت مشترکی بر الزام

به رعایت قوانین و اجرای آنها وجود ندارد و در مقایسه با جامعه داخلی، نهادهای بین‌المللی بسیار ضعیف هستند و فریب فراگیر است. هر چند گاه همکاری قابل حصول است و سیاست بین‌الملل مساوی با شرایط جنگی نیست، باید این نکته را در نظر داشت که همکاری در موضوعات مختلف و در زمان‌های مختلف از شرایط متفاوتی برخوردار است باشد (Keohane & others, 1985: 2). البته همکاری نباید به عنوان فقدان تعارض تلقی شود، بلکه باید به عنوان واکنشی به درگیری یا درگیری احتمالی تلقی شود (Keohane, 1984: 7).

براساس این نظریه، عقلانیت دولت‌ها به آنها حکم می‌کند تا منافع ملی خود را نه در رقابت که در همکاری در چارچوب چندجانبه‌گرایی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تعقیب نمایند پس از دیدگاه نهادگرایان نئولیبرال علاوه بر تهدید، منافع مشترک نیز از علل گرایش دولت‌ها به چندجانبه‌گرایی می‌باشد. از آنجا که این سازمان‌ها تا حدودی سبب شفافیت، اعتمادسازی و اطلاع‌رسانی می‌شوند لذا سوء تفاهم‌ها به عنوان منشاء اصلی تنش‌ها جای خود را به اعتماد متقابل می‌دهد و با افزایش کارایی همکاری‌های بین‌المللی و سودمندی نهادها، گرایش کشورها به همکاری در چهارچوب نهادها بیشتر می‌شود. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۲۰۳-۲۰۲).

بنابراین نئولیبرالیسم معتقد است برای فهم رفتار بازیگران و علت رفتار آنها باید به ماهیت نظام بین‌الملل توجه داشت. ساختار نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد بر پایه هژمونی ایالات متحده آمریکا بنا نهاده شد. بنابراین مشهود است، آنچه که نظم بین‌المللی تک‌قطبی برای دیگر بازیگران (ایران، روسیه و...) رغم زده انزوا و عدم ایفای نقش موثر در عرصه نظام بین‌الملل بود. همین امر سبب گشت تا این بازیگران به عنوان موجوداتی عقلایی با ایجاد سازمان همکاری شانگهای یعنی بهره‌گیری از نهادها و ایفای نقش موثر در چارچوب آن در صدد ارتقای جایگاه خود در عرصه نظام بین‌الملل برآیند.

نهادگرایی نئولیبرال معتقد است که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی با کاهش هزینه‌های مبادله، ارائه اطلاعات و ایجاد چارچوبی برای همکاری طولانی‌مدت، نقشی محوری در تقویت همکاری بین دولت‌ها ایفا می‌کنند. (Keohane, 1984: 67) این سازمان که به طور طبیعی نماد فرایند شکل‌گیری همگرایی در آسیای مرکزی می‌باشد، با رشد و گسترش خود امروزه جایگاه به نسبت مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورده است. نهادگرایی نئولیبرال، قدرت‌های بزرگ در سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای را به واسطه الزامات نهادی، وادار می‌کند بیشتر جانب منافع اعضا را

بگیرند و هزینه‌های عهدشکنی قدرت‌های بزرگ را افزایش می‌دهد. لذا از جهت راهبردی، پیوستن جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای امکان چانه‌زنی ایران در سطح بین‌المللی و در قضایایی همچون پرونده هسته‌ای به نحو موثری افزایش می‌دهد و می‌تواند جایگاه از دست رفته خود را در عرصه تعاملات بین‌المللی بازیابد. زیرا احتمالاً قدرت‌های بزرگ (چین و روسیه) تحت الزامات نهادی مجبور می‌باشند از جمهوری اسلامی ایران حمایت بیشتری به عمل آورند. اما این مهم، یک بعد مسئله را مطرح می‌سازد که به نوعی هم راستا با دیگر نظریات که مورد بحث قرار گرفتند، می‌باشد. اما بعد دیگر در این چارچوب، بحث نهادهای بالا دستی سازمان همکاری شانگهای می‌باشد که نوعی امتناع ساختار را در مسیر بهره‌مندی ایران از مزایای عضویت ایجاد نموده است. این نظریه خاطر نشان می‌سازد که کشورها به تناسب عضویت در سازمان و نهادهای دیگر و به نوعی بالا دستی و ایجاد شفافیت و اعتمادسازی می‌توانند از این ظرفیت قدرت استفاده کنند و لذا در صورت عدم تحقق با نوعی امتناع ساختار نهادی مواجه هستند. بدین جهت، نگاه قدرت‌ها به پرونده هسته‌ای در همین چارچوب قابل طرح است چراکه بازیگران از وضعیت موجود نظام بین‌الملل رضایت و خواهان حفظ نظم موجودند، این قدرت‌ها مساله هسته‌ای را تهدیدی برای نظم موجود پنداشته و تهدیدی برای تغییر در روابط این قدرت‌ها که رفع آن مستلزم فراهم کردن اطلاعات، شفافیت و اعتمادسازی از طریق پیوستن به نهاد بالادستی برنامه اقدام مشترک (برجام) است. لذا ممکن است بازیگران (روسیه و چین و...) در برخی موضوعات از طریق سازمان‌های بین‌المللی به همدیگر عمیقاً مرتبط شده و اما در زمینه‌های دیگر که ممکن است برهم زننده وضع موجود باشد، رویکرد جدی‌تری داشته باشند. نهادگرایی نئولیبرال به نقش سازنده نهادهای بین‌المللی در سیاست بین‌الملل مستقل از توزیع قدرت بین کشورها اعتقاد دارد. لذا رویکرد نئولیبرالیسم به علت تأکید بر مولفه‌هایی چون نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، توجه خاصی که به نقش این نهادها در فراهم نمودن زمینه همکاری و سود مطلق ناشی از آن، میان بازیگران دارد دلیل انتخاب این پارادایم تئوریک در پژوهش حاضر می‌باشد.

3. روابط ایران و سازمان شانگهای

سابقه همکاری جمهوری اسلامی ایران با سازمان همکاری شانگهای به تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۸۴ و نشست سران سازمان در شهر "آستانه" پایتخت قزاقستان باز می‌گردد. در آن اجلاس، ایران به عضویت

ناظر در سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شد و از آن زمان تاکنون در تمامی نشست‌های ساختاری سازمان، در بالاترین سطح ممکن شرکت داشته است. شایان ذکر است که نشست سران بالاترین ارگان سازمان همکاری شانگهای محسوب می‌شود (بهمن، ۱۳۹۷: ۱۱). اما یکی از مباحثی که موجب بروز تاخیر در عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای شد؛ وجود سازوکار "حق وتو برای اعضای این سازمان در پذیرش عضو جدید بود" در واقع سازوکار عضویت قطعی یک کشور در سازمان شانگهای مبتنی بر رای مثبت تمام اعضای این سازمان است. به همین دلیل رای منفی یک کشور می‌تواند عضویت یک عضو جدید را وتو نماید و این مسیر عضویت کامل ایران را در سازمان همکاری شانگهای سخت‌تر نمود (بهمن، ۱۳۹۷: ۱۷). چرا که برخی از کشورهای آسیای مرکزی نظیر تاجیکستان با عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای مخالفت داشتند؛ زیرا این کشور مدعی بود این موضوع می‌تواند به حمایت ایران از جنبش‌های افراطی در آسیای مرکزی منجر شود. که به نظر می‌رسد منظور تاجیکستان گروه‌های اسلامگرا بود (حکیم و ایران‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۴). اما در مورد دلایل مخالفت چین می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: روابط اقتصادی و بازرگانی گسترده با آمریکا؛ عدم تمایل به ماهیت سیاسی و ضد غربی پیدا کردن سازمان همکاری شانگهای؛ به هم خوردن وزنه تعادل و موازنه قوای به نفع روسیه؛ آسیب وارد شدن به سیاست‌های خاورمیانه‌ای پکن به خصوص در تعامل با عربستان و سایر کشورهای عربی (بهمن، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۰). هرچند روس‌ها مانع جدی در این مسیر نبوده و بحث عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای را به بعد از لغو تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران موکول کرده بودند (حکیم و ایران‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۲). که این را می‌توان از تاثیرات منفی پرونده هسته‌ای بر روابط ایران و شانگهای برشمرد. بنابراین یکی از موانع اصلی پیوستن ایران به این سازمان، موضع ضد آمریکایی ایران و مناقشه هسته‌ای بوده است (Mousavi, 2013: 7) اما اینکه چه شد که بالاخره تلاش قریب به دو دهه ایران برای کسب عضویت دائم سازمان به ثمر نشست را می‌توان در پرتو روابط چین و روسیه با آمریکا جستجو کرد در واقع به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا از سال ۲۰۱۶ شرایط را در حوزه سیاست بین‌الملل برای روسیه و چین تغییر داد؛ خیزش چین و ظهور آن به عنوان بازیگر تاثیرگذار بین‌المللی به واقعیتی انکارناپذیر در چند دهه اخیر تبدیل شده که این برای ایالات متحده آمریکا که خود را تنها هژمون نظام بین‌المللی می‌داند تهدیدی امنیتی محسوب می‌شود و این خیزش چین را آشکارا چالش و تهدیدی اساسی برای جایگاه جهانی خود برمی‌شمارد. در این راستا، ترامپ در تلاش برای

مهار و انزوای پکن برآمد؛ جنگ اقتصادی و افزایش تعرفه‌های تجاری ترامپ علیه پکن، دخالت‌های مستمر در مسائل داخلی چین، برگزاری مانورهای نظامی در آب‌های مورد مناقشه این کشور و کشمکش بر سر تایوان، مسائل امنیتی هنگ کنگ، تحرکات در دریای چین جنوبی و به ویژه در ماجرای مسلمانان اویغور ... همگی در این راستا قابل ذکر است (درج و بصیری، ۱۳۹۸: ۱). در مورد روسیه هم می‌توان به بحران اکرین اشاره داشت که در فوریه ۲۰۱۴ با الحاق کریمه به روسیه، تقابل بی سابقه غرب و روسیه آغاز شد که هم اکنون نیز ادامه داشته و تحریم‌های فزاینده‌ای از جانب اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا با هدف توقف اقدامات روسیه در اکرین علیه این کشور اعمال گردید (نونزاد و کریمی، ۱۳۹۵: ۹). در مجموع تنش اکرین و روسیه در نتیجه گسترش ناتو به کشورهای سابق شوروی، باعث علنی‌تر شدن رقابت‌های ژئوپلیتیک میان روسیه و آمریکا در مناطق مختلف جهان شده که همین عوامل موجب تغییر در سیاست شانگهای در پذیرش ایران و گرایش روسیه و چین به گسترش روابط با کشورهای حوزه خاورمیانه و آسیای مرکزی شد (Mousavi, 2013: 23) به طور کلی رویکردهای تهاجمی و بی‌پروای دونالد ترامپ در آغاز جنگ تجاری با پکن و تهدید منافع مسکو در شرق اروپا، چالش‌های جدی در همکاری‌های راهبردی این بازیگران به وجود آورده و نگاه این کشورها را به ابعاد تقابل با غرب تا حدودی تغییر و در نهایت مجموع عوامل فوق یک نوع سیاست "تقویت ضد غرب گراها" را در سیاست خارجی روسیه و چین برای تقویت هرچه بیشتر رویکرد ضد یکجانبه گرایی سازمان شانگهای به وجود آورد.

۴. مزایا و فرصت‌های پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای

تشکیل سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای مهم در آسیا (افتخاری و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۵۹). ناشی از تهدیدها و فرصت‌های مشترکی است که کشورهای عضو به دنبال غلبه بر چالش‌ها و بهره‌گیری از منافع جمعی هستند (شفیعی، ۱۳۹۰: ۶). سازمان همکاری شانگهای از زمان آغاز به کار، اهداف خود را به صورت تدریجی تعریف کرده و پذیرش اعضای جدید را با اهداف در حال تحول خود همسو می‌کند. عضویت ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نوظهور در غرب آسیا در این زمینه حائز اهمیت است و گامی اساسی در توسعه این سازمان می‌باشد (منصوری، ۱۳۹۴: ۱۷).

نهادگرایی نئولیبرال استدلال می‌کند که سازمان‌های بین‌المللی با کاهش هزینه‌های مبادله، ارائه اطلاعات و ایجاد چارچوب‌های همکاری بلندمدت، همکاری را تقویت می‌کنند (keohane, 1984: 67) سازمان همکاری شانگهای که در سال 2001 تأسیس شد، شامل چین، روسیه و چندین کشور آسیای مرکزی با هدف ارتقای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. برنامه چشم‌انداز 20 ساله ایران که تا سال 2025 ادامه دارد، بر تبدیل ایران به کشوری توسعه یافته با موقعیت پیشرو در جنوب غربی آسیا متمرکز است که مشارکت فعال در فرآیندهای منطقه‌ای برای دستیابی به این اهداف بسیار مهم است (حکیم و ایران‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۸). با وجود نهادهای متعدد منطقه‌ای مانند اتحادیه عرب و سازمان پیمان امنیت جمعی و توافق‌نامه‌های امنیتی دوجانبه با قدرت‌های جهانی، ایران هنوز خود را به‌عنوان مرکز یک نهاد سیاسی و امنیتی منطقه‌ای معرفی نکرده است. این غیبت از چارچوب‌های نهادی، قدرت و نفوذ بلندمدت ایران را به چالش می‌کشد (حکیم و ایران‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۶). از این منظر، تلاش ایران برای فرار از انزوای نهادی به‌عنوان انگیزه‌ای کلیدی برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای تلقی می‌شود که فرصت‌های قابل توجهی را هم برای ایران و هم برای این سازمان فراهم می‌کند. ازجمله این فرصت‌ها که در سه بُعد قابل طرح می‌باشند، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

4-1. پیامدهای ژئوپلیتیکی عضویت ایران در شانگهای

ذخایر عظیم نفت و گاز ایران موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی به ویژه در روابط خارجی به ایران می‌دهد. با توجه به نقش ایران در اوپک، عضویت این سازمان در سازمان همکاری شانگهای (SCO) می‌تواند به‌عنوان پلی بین دریای خزر و خلیج فارس عمل و نفوذ این سازمان را بر قیمت نفت افزایش دهد (بهمن، ۱۳۹۷: ۲۶) (شفیعی، ۱۳۹۰: ۲۳). این وابستگی به اعضای سازمان همکاری شانگهای اجازه می‌دهد تا از توانمندی‌های اوپک از طریق ایران استفاده کنند. نزدیکی جغرافیایی ایران به بزرگترین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انرژی، به‌ویژه در جنوب آسیا، پتانسیل ایران را برای برآوردن نیازهای انرژی نشان می‌دهد. پروژه "خط لوله صلح" با هدف انتقال گاز ایران به پاکستان و هند انجام اما با تاخیر مواجه شد (شجاعیان و شفیع، ۱۳۹۵: ۱۵). عضویت در سازمان همکاری شانگهای فرصتی برای احیای این پروژه، تقویت نفوذ ایران در منطقه و حل و فصل بالقوه درگیری کشمیر فراهم می‌کند.

1 -Geopolitical implications

2-Peace pipeline

موقعیت استراتژیک ایران در نزدیکی خلیج فارس و دریای خزر اهمیت ژئوپلیتیکی آن را گسترش می‌دهد. توانایی کشور در تأثیرگذاری بر انتقال انرژی، به ویژه از طریق تنگه هرمز، نقش جهانی انرژی آن را برجسته می‌کند (شجاعیان و شفیعی، ۱۳۹۵: ۲۷). تسلط ایران بر آبراه‌های کلیدی موقعیت این کشور را در سیاست انرژی منطقه‌ای تقویت می‌کند. عضویت آن در سازمان همکاری شانگهای با جاه طلبی‌های روسیه برای یک "باشگاه انرژی" (Marcel, 2007: 4) همسو است که همکاری بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی را تسهیل می‌کند. علیرغم تلاش‌های آمریکا برای دور زدن ایران در مسیرهای انرژی، ایران همچنان یک مسیر کلیدی ترانزیت انرژی از آسیای مرکزی به بازارهای جهانی است (شجاعیان و شفیعی، ۱۳۹۷: ۱۳). عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای هم تأثیر ژئوپلیتیکی و هم تأثیر جهانی این سازمان را افزایش می‌دهد.

4-2. پیامدهای ژئواستراتژیک عضویت ایران در شانگهای

سازمان همکاری شانگهای که منطقه وسیعی از کالینینگراد^۱ تا ولادی وستوک^۲ و از دریای سفید تا دریای چین جنوبی و اقیانوس هند و خاورمیانه را پوشش می‌دهد (Alyson & other, 2007: 9) دارای پتانسیل تأثیرات سیاسی، امنیتی و ارتباطی قابل توجهی در آینده است (Rashid, 2018: 2). یکی از راهبردهای اصلی آن مقابله با یکجانبه گرایی غربی، به ویژه از سوی ایالات متحده است که به عنوان وزنه تعادل منطقه‌ای عمل می‌کند. این موضع ضد یکجانبه‌گرایی ایالات متحده را به سمت کاهش نفوذ خود در منطقه سوق داده و امکان همکاری بیشتر آسیای مرکزی را فراهم نموده است (شفیعی و کمالی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳). موضع گیری‌های سیاسی سازمان همکاری شانگهای از جمله درخواست از آمریکا برای تعیین یک جدول زمانی جهت خروج نیروهای خود از کشورهای عضو این سازمان در اجلاس سران سال ۲۰۰۵ در "آستانه قزاقستان" و هم چنین اقداماتی نظیر اجرای رزمایش نظامی ضد تروریسم در میان ارتش‌های کشورهای عضو، موسوم به "ماموریت صلح" در سال ۲۰۰۷ باعث شده که این سازمان را به عنوان "ناتوی آسیا" یا "ناتوی شرق" تلقی کنند (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۳۲۶). که به عنوان یک "موازنه ژئوپلیتیکی" در قبال ایالات متحده عمل نموده و این نگرش استراتژیک

1 - Geostrategic implications

2 -Kaliningrad

3 -Vladivostok

4 -Peace mission

5 -NATO of Asia or NATO of the East

غالب به عنوان یک منفعت واقعی برای تهران تلقی می شود (Nabipour, 2021: 9) این موضع ژئوپلیتیکی به نفع تهران است و ایران را با روسیه و چین همسو تا هژمونی ایالات متحده را متعادل کند (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹: ۱۸). تجربه ایران در مقاومت در برابر فشارهای آمریکا، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، مکمل اهداف سازمان همکاری شانگهای در مقابله با یکجانبه گرایی است (شفیعی، ۱۳۹۰: ۲۰). عضویت ایران نفوذ سیاسی آن را در سطح منطقه ای و جهانی تقویت می کند، به ویژه که با چالش سازمان همکاری شانگهای در برابر سلطه غرب همسو می شود (بهمن، ۲۰۱۷: ۲۳). با این حال، ایران باید خطرات احتمالی ناشی از به حاشیه رانده شدن توسط منافع دیگر اعضا را در صورتی که منافع آن با دستور کار جمعی مطابقت نداشته، کنار بگذارد (شفیعی، ۱۳۸۹: ۲۴).

سازمان همکاری شانگهای با هدف دستیابی به امنیت پایدار و چندجانبه در میان اعضای خود، مقابله با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و تجزیه طلبی را هدف قرار داده که اغلب به عنوان دلایل اصلی شکل گیری آن ذکر می شود (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹: ۱۸). ایران که با چالش های امنیتی مشابه، به ویژه مربوط به جنبش های جدایی طلب در آسیای مرکزی و افغانستان مواجه است، می تواند از تجربیات خود برای تقویت همکاری خود در سازمان همکاری شانگهای استفاده کند. همسویی بین نگرانی های امنیتی ایران - مانند تروریسم و مواد مخدر - و اهداف مشترک سازمان همکاری شانگهای بستر وسیع تری را برای توسعه استراتژی های امنیت جمعی فراهم می کند (صفوی و جعفری نور، ۱۴۰۰: ۱۹-۱۸). اقدام جمعی در سازمان همکاری شانگهای در پرداختن به مسائل فراملی مانند قاچاق مواد مخدر، که فراتر از ظرفیت دولت های فردی برای مدیریت به تنهایی بوده، ضروری تلقی می شود (Nabipour: 2021: 9) (شفیعی، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۴). علاوه بر این، مشارکت ایران می تواند به مقابله با تبلیغات ایالات متحده و متحدانش درباره نقش ایران در تروریسم جهانی کمک کند (رستمی و صالحی کرتویجی، ۱۳۹۵: ۲۴). اهداف راهبردی سازمان همکاری شانگهای با دگرترین نظامی و امنیتی ایران همسو است و همکاری های منطقه ای در جنوب آسیا، آسیای مرکزی، دریای خزر و خاورمیانه را تسهیل می کند. عضویت ایران را قادر می سازد تا منافع ملی خود را به نحو احسن دنبال کند، نفوذ منطقه ای خود را افزایش و از طریق سیاست های تنش زدایی اعتمادسازی کند (شفیعی، ۱۳۹۰: ۲۰) (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۳۲۷).

4-3. پیامدهای ژئواکونومیک عضویت ایران در شانگهای

1- Geoeconomic implications

از آنجا که کشورهای آسیای مرکزی در دوره اتحاد جماهیر شوروی به عنوان تولیدکنندگان مواد خام، آنها را از صنعت و توسعه دور نگاه داشته بود، انگیزه ائتلاف‌سازی با هدف توسعه اقتصادی، آنها را جهت ایجاد سازمان همکاری شانگهای ترغیب نمود. به همین جهت پس از ایجاد سازمان در سال 2001، اعضای سازمان سندی در خصوص حوزه‌های اصلی همکاری اقتصادی منطقه‌ای را امضاء نمودند و در سال 2003 برنامه همکاری اقتصادی و بازرگانی چندجانبه را تصویب کردند (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۹).

وابستگی متقابل اقتصادی و ادغام اقتصادهای ملی از عوامل کلیدی همکاری در کشورهای درحال توسعه است. با گسترش تجارت جهانی و تشدید رقابت، موافقت نامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه برای کشورهایی که آمادگی ورود فوری به تجارت آزاد را نداشته ضروری می‌شود. اقتصاد ایران از طریق ادغام با سازمان همکاری شانگهای می‌تواند در مواجهه با چالش‌های عضویت در سازمان تجارت جهانی تجربه کسب کند (نجاتی و بلاغی اینالو، ۱۴۰۱: ۵-۴). پیوندهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی ایران با آسیای مرکزی، همراه با مکمل‌های منابع، موقعیت آن را در سازمان همکاری شانگهای افزایش می‌دهد (حکیم و ایران‌نیا، ۱۴۰۰: ۲۲). مزایایی مانند بهبود همکاری منطقه‌ای، افزایش قدرت ملی و امتیازات تعرفه‌ای باعث تقویت یکپارچگی اقتصادی، هدایت جریان‌های تجاری جدید و رشد اقتصادی می‌شود (Rashid, 2018: 9)

علاوه بر این، نقش استراتژیک ایران در کریدورهای حمل و نقل منطقه‌ای، به ویژه "کریدور شمال - جنوب" دیپلماسی اقتصادی این کشور را در سازمان همکاری شانگهای تقویت می‌کند و همچنین احداث تونل "انزاب یا استقلال" در این کریدور که در مسیر کشورهای روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان و ایران قرار دارد و خلیج فارس را با ایجاد راه ترانزیت به کشورهای آسیای مرکزی پیوند می‌دهد. علیرغم تأخیرهای ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، این کریدور، اروپا، روسیه و آسیای مرکزی را به اقیانوس هند متصل و وضعیت ایران را به عنوان یک قطب مهم ترانزیتی تقویت می‌کند (Grajewski, 2020: 4-5). اجرای کامل این کریدور با حمایت منابع مالی سازمان همکاری شانگهای در جهت منافع اقتصادی و موقعیت استراتژیک ایران نقش اساسی دارد (شریعتی نیا، ۱۴۰۱).

1 -World Trade Organization

2 -North-South Corridor

3 - Anzab or Esteghlal tunnel

۱۹). بنابراین، ایران به عنوان پل مهمی بین کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و بازار جهانی گسترده تر عمل می کند (شفیعی، ۱۳۸۹: ۲۳).

۵. پیامدهای پرونده هسته‌ای بر روابط ایران و سازمان همکاری شانگهای

۵-۱- پرونده هسته‌ای و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

شروع همکاری‌های هسته‌ای ایران به قبل از انقلاب اسلامی به دنبال قطعنامه "اتم برای صلح" آیزنهاور بازمی‌گردد، اما انتشار اخبار و اطلاعات درباره برخی از تأسیسات هسته‌ای ایران در نیمه سال ۲۰۰۲ توسط گروهک مجاهدین خلق به بحرانی شدن این مسئله انجامید. این گروه اطلاعات جنجال‌آمیزی را در مورد تأسیسات هسته‌ای ایران ارائه و قدرت‌های بین‌المللی و به خصوص آمریکا از این فرصت برای نشان دادن تهدیدآمیز بودن ایران استفاده و مسئله هسته‌ای به یک "بحران جهانی" تبدیل گشت؛ برنامه هسته‌ای ایران مدت‌هاست که منبع تنش بین ایران و قدرت‌های غربی بوده و منجر به تحریم‌هایی شده که سیاست خارجی این کشور را شکل داده است (بصیری و آئینه وند، ۱۳۹۵: ۷). به دنبال جهانی شدن پرونده هسته‌ای، ایران رویکرد شرق‌گرایی و نزدیک شدن به قدرت‌های آسیایی از جمله چین و روسیه و وابستگی‌های منطقه‌ای را برای ایجاد تحول در حوزه توسعه یافتگی ذیل تحریم‌های شدید را اتخاذ نموده است (Parviz Iqbal & other, 2022:1).

مسیر ایران برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای با برنامه مساله هسته‌ای شکل گرفته، در ابتدا، اعضای سازمان همکاری شانگهای به دلیل نگرانی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اعمال تحریم‌های سازمان ملل، در اعطای عضویت کامل به ایران تردید داشتند. امضای نهایی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به عنوان نمونه‌ای از اهمیت و پافشاری نسبت به سیاست و دیپلماسی بین‌المللی (میرعباسی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹). در سال ۲۰۱۵، که منجر به لغو موقت تحریم‌های سازمان ملل شد، به ایران این امکان را داد تا با شدت بیشتری برای عضویت تلاش کند، اگرچه تاخیرها تا زمانی که چشم‌انداز ژئوپلیتیکی با حمایت فزاینده روسیه و چین تغییر کرد ادامه یافت (Washington Institute, 2022).

یکی از مزیت‌های کلیدی ایران در پیوستن به سازمان همکاری شانگهای، به ویژه در بجنبه ادامه تحریم‌های غرب، فرصت تقویت روابط خود با قدرت‌های غیر غربی، به ویژه روسیه و چین است. این

کشورها ایران را به عنوان یک شریک ارزشمند در مقابله با نفوذ ایالات متحده در منطقه می‌دانند. الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای با اهداف ژئوپلیتیک روسیه همسو است، زیرا تهران می‌تواند به مقابله با ناتو و اعمال فشار بر منافع ایالات متحده در خاورمیانه و آسیای مرکزی کمک کند (ICWA, 2023). به طور مشابه چین، ایران را به عنوان یک شریک حیاتی در «ابتکار کمربند و جاده» خود می‌بیند و موقعیت استراتژیک ایران یک کریدور ضروری برای تجارت بین شرق آسیا و اروپا است (Iran Watch 2023).

2-5- پیامدهای پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها بر روابط ایران و چین

ایران و چین به عنوان قدرت‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی در دهه‌های گذشته روابط رو به گسترشی را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و استراتژیک تجربه کرده‌اند (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۰). و در یک چشم‌انداز تاریخی، ایران همواره تا مدت‌ها یکی از مهم‌ترین تامین کنندگان نفت چین به حساب می‌آمد. با این حال، این رابطه کم تنش، در سال‌های اخیر تا حدود زیادی متأثر از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بوده و بازدارندگی تحریم‌ها همواره باعث شده تا روابط ایجاد شده بین دو کشور در بعد اقتصادی و تجاری علی‌رغم تلاش‌ها و علاقه دوجانبه، هرگز درمقیاسی نباشد که بین چین و عربستان در حال پیشرفت است (رفعت، ۱۴۰۰: ۱۴). از نگاه چینی‌ها، روابط با عربستان سعودی بهترین رویکرد ممکن برای تامین منابع نفتی حیاتی، در مواردی است که روابط چین و آمریکا شاید تیره یا به هر دلیلی در منطقه خاورمیانه ناآرامی‌های جدیدی رخ دهد. در سال ۲۰۱۱ که درگیری آشوب‌های سیاسی رخ داد و یا تحریم‌های اقتصادی ایران از سوی ایالات متحده از سال ۲۰۱۲ به بعد اوج گرفت، در تمامی این وقایع عربستان همچنان عرضه کننده اصلی نفت چین بوده است. همچنان که در سال ۱۹۷۹ نیز با وقوع انقلاب ایران و آغاز جنگ عراق و ایران در ۱۹۸۱، عربستان بهترین جایگزین ایران برای عرضه نفت خام شد (حیدری، ۱۴۰۱: ۱۸). برای مثال، آماراداره گمرک چین نشان می‌دهد؛ حجم تجارت میان چین و ایران در سال ۲۰۲۲، ۱۵ میلیارد و ۷۹۵ میلیون دلار بوده و این رقم بدین معنی است که از حجم تجارت جهانی ۶ تریلیون و ۳۰۸ میلیارد دلاری چین، ایران کمتر از نیم درصد سهم دارد. در حالی که حجم تجارت چین و عربستان در همین سال به ۱۰۶ میلیارد دلار رسیده است (بیش از ۷ برابر) همچنین در حالی که ارزش صادرات نفت ایران به چین در دوره برجام ۲۰۱۸، ۱۵ میلیارد دلار و در

1 -Belt and Road Initiative (BRI)

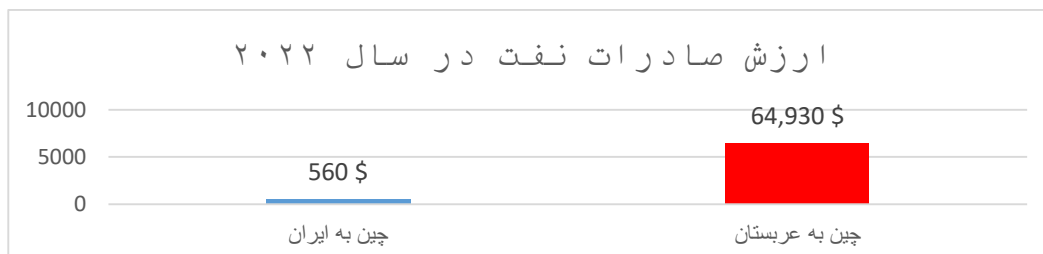
سال ۲۰۲۲ تنها ۵۶۰ میلیون دلار بوده و در همین سال ارزش صادرات نفت عربستان به چین ۶۴ میلیارد و ۹۳۰ میلیون دلار (۱۱۶ برابر بیشتر) بوده است.

از طرفی میزان سرمایه‌گذاری چین در ایران در سال ۲۰۲۲ فقط ۱۸۵ میلیون دلار بوده، که در مقایسه با حجم سرمایه‌گذاری چین در عربستان بسیار ناچیز است زیرا فقط در دهمین کنفرانس موفقیت آمیز تجاری اعراب و چین، عربستان قرارداد ۵/۶ میلیارد دلاری در زمینه تولید خودروهایی الکترونیکی با چین امضاء کرد (www.english.customs.gov.cn). این در حالی است که در ۱۲ مارس ۲۰۲۱، پکن و تهران توافقنامه همکاری ۲۵ ساله خود را که از سال ۲۰۱۶ مورد بحث قرار گرفته بود، نهایی کردند. در حالی که ایران این توافق را به عنوان یک "نقشه راه کامل" برای روابط آینده معرفی نموده، چین تاکید دارد که این توافق صرفاً "یک چارچوب کلی برای همکاری چین و ایران" می‌باشد و با اینکه چند سال از عمر آن می‌گذرد حاصلی برای ایران به دنبال نداشته است (will & other, 2021: 6)

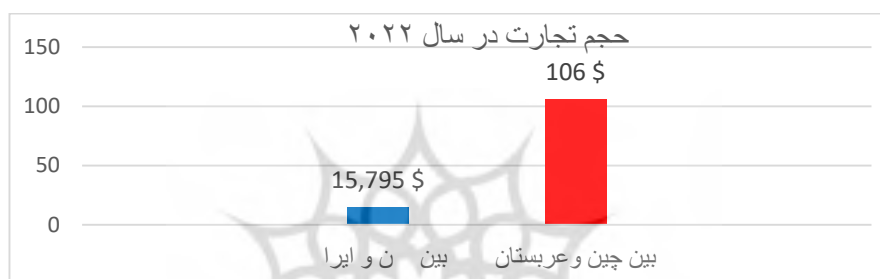
در سال ۲۰۱۹ نیز شرکت ملی نفت چین (CNPC) از پروژه ۵ میلیارد دلاری توسعه گاز طبیعی پارس جنوبی که بزرگترین پروژه سرمایه‌گذاری چین در ایران تا به امروز بوده، به دلیل تحریم‌های هسته‌ای خارج شد (will & other, 2021: 14). درواقع، سیاست اجرایی کردن پروژه‌های عظیم با تکنولوژی‌های به روز، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و نیز پیوستگی با نظام بانکی و مالی به عربستان سعودی فرصت پیوستن به اقتصاد جهانی را داده اما ایران به دلیل به بن‌بست رسیدن مذاکرات هسته‌ای، تحریم‌های اقتصادی و فقدان روابط اقتصادی - دیپلماتیک موثر، قادر به رقابت با روابط شتاب گرفته اقتصادی مابین چین و قدرت‌های منطقه‌ای نیست. بنابراین عملکرد چین حاکی از این است که این کشور روابط خود را با ایران حفظ نموده با این امید که در صورت رفع تحریم‌ها، دسترسی بیشتری به منابع استراتژیک مانند انرژی و مواد خام پیدا کند. در واقع چین به ایران به عنوان یک «دارایی مضطرب» می‌نگرد. این بدان معناست که چین بازدهی آتی را پیش‌بینی می‌کند یعنی امکان دسترسی نامحدود و امن به چهارمین ذخایر بزرگ نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان (will & other, 2021: 9)

1 - China National Petroleum Corporation

۲ - Distressed asset



شکل ۱. ارزش صادرات نفت ایران و عربستان در سال ۲۰۲۲



شکل ۲. حجم تجارت ایران و عربستان با کشور چین در ۲۰۲۲ (منبع: نگارنده)

3-5- پیامدهای پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها در فروش نفت ایران به کشورهای حوزه شانگهای

تخفیف چشمگیر در فروش نفت، که ایران می‌خواهد از آن به عنوان دستاوردی برای اداره کشور استفاده کند، با شروع تحریم‌های جدید بین‌المللی در سال ۱۴۰۰، به طرف‌های چینی و سایر کشورها مسئله تازه‌ای نیست (parvaiz Iqbal & other, 2021: 13) زیرا ایران به طور فزاینده‌ای به تجارت با چین وابسته شده و تخفیف‌های جذابی برای خرید نفت خام ارائه نموده که بنا به گزارش‌ها به یک دلار در هر بشکه می‌رسد (will & other, 2021: 13) با اینکه شروع جنگ اکران در سال ۲۰۲۲ (۵ اسفند سال ۱۴۰۰) فرصتی برای بالا بردن درآمدهای نفتی ایجاد نمود اما تخفیف ویژه روسیه به خریداران نفتی باعث شد مشتری‌های نفت ایران (چین) جذب روسیه شوند و همین مسئله منجر شد که ایران نفت خام ارزان قیمت خود را بیش از پیش کاهش دهد زیرا متحد اصلی خود (روسیه) در بازار کلیدی چین جایگاه بالاتری کسب کرده است (www.bloomberg.com/news)

به نظر می‌رسد عدم تمایل دولت مرحوم آقای رئیسی به مسئله مذاکره و احیای برجام، در کنار گسترش و شدت گرفتن تحریم‌ها و رقابت روسیه در بازارهای نفتی ایران، در نهایت منجر به شرایطی

شده که ایران ناچار است دست به فروش نفت خود با تخفیف‌هایی بیش از تخفیف داده شده توسط روسیه بزند تا شاید در این بازار پرهیاهو و آشفته و رقبای بزرگ نفتی و گازی بتواند حداقل به بازار آزاد چین امید داشته باشد.

4-5- پرونده هسته‌ای و فرصت‌های عضویت ایران در شانگهای

با وجود چالش‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای مزایای متعددی را به همراه دارد. اولاً، تحریم‌ها تهران را به تقویت روابط با قدرت‌های منطقه‌ای که نسبت به تسلط غرب نیز محتاط بوده، مانند روسیه و چین، سوق داده است. این کشورها که مشتاق توسعه اتحادهای جهانی جایگزین هستند، ایران را به‌عنوان یک بازیگر مهم می‌بینند. روابط ایران با روسیه در سال‌های اخیر، به ویژه در حوزه نظامی، با گزارش‌هایی مبنی بر فروش پهپاد و همکاری در درگیری‌های منطقه‌ای مختلف (مانند بحران سوریه و اوکراین)، عمیق‌تر شده است (ICWA, 2023). علاوه بر این، عضویت در شانگهای به ایران امکان دسترسی به همکاری‌های امنیتی چندجانبه تحت چارچوب ضد تروریسم سازمان همکاری شانگهای، «ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم» را می‌دهد. این امر نقش ایران را در تلاش‌های امنیت منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم، به‌ویژه در مورد افغانستان، که در آن بی‌ثباتی پس از خروج ایالات متحده به نگرانی مشترک اعضای سازمان همکاری شانگهای تبدیل شده، را تقویت می‌کند.

علاوه بر این، تحریم‌ها ایران را به جستجوی جایگزین‌هایی برای بازارهای غربی سوق داده و سازمان همکاری شانگهای شبکه تجاری وسیعی را فراهم نموده که شامل مصرف‌کنندگان کلیدی انرژی مانند چین و هند است. بنادر استراتژیک ایران، مانند چابهار، فرصت‌های قابل توجهی را برای توسعه مسیرهای تجاری از طریق کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) فراهم می‌کند که آسیای مرکزی را به آسیای جنوبی و فراتر از آن متصل می‌کند این امر ایران را به یک شریک جذاب برای اعضای سازمان همکاری شانگهای علاقمند به تنوع بخشیدن به مسیرهای تجاری و منابع انرژی خود تبدیل می‌کند (Washington Institute, 2022).

4-5- پرونده هسته‌ای و چالش‌های عضویت ایران در شانگهای

با این حال، پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها چالش‌های متعددی را برای تعامل ایران با سازمان همکاری شانگهای ایجاد می‌کند. اگرچه تحریم‌ها روابط عمیق‌تر با روسیه و چین را تقویت کرده، اما این روابط عمدتاً فرصت طلبانه هستند. اقتصاد ایران که به دلیل تحریم‌ها با مشکل مواجه شده در مقایسه با سایر اعضای سازمان همکاری شانگهای به طور قابل توجهی به عنوان یک شریک تجاری جذابیت کمتری دارد. به عنوان مثال، مشارکت راهبردی چین با ایران مهم است، اما پکن به دلیل منافع اقتصادی مستمرش در بازارهای غربی، در مورد همسویی کامل با تهران محتاط است (Washington Institute, 2022). علاوه بر این، محدودیت‌های سازمانی شانگهای نفوذ ایران را در سازمان محدود می‌کند. فرآیند تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع سازمان همکاری شانگهای اغلب تأثیر تک تک اعضا، به ویژه آنهایی که تحت نظارت بین‌المللی مانند ایران بوده را کاهش می‌دهد. اگرچه ایران می‌تواند در بحث‌های کلیدی و تمرین‌های ضد تروریسم شرکت کند، اما نفوذ اقتصادی و سیاسی آن تحت الشعاع روسیه و چین قرار داشته که بر این سازمان تسلط دارند. علاوه بر این، روابط تیره ایران با برخی از کشورهای آسیای مرکزی، مانند قزاقستان و تاجیکستان، تلاش‌های این کشور برای ادغام کامل در چارچوب چندجانبه سازمان همکاری شانگهای را نیز پیچیده می‌کند (Iran watch, 2023).

بدین‌جهت، می‌توان گفت تحقق اراده ایران در گسترش روابط با قدرت‌های آسیایی و عضو شانگهای با محدودیت‌های شدید در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی روبروست اما اقتصاد ایران نیاز به احیای سریع دارد (parvaiz Iqbal & other, 2021: 4). به گفته منابع صندوق بین‌المللی پول، در صورت ادامه تحریم‌ها از سوی آمریکا در سال ۲۰۲۱ و به بعد، نزدیک به ۱۳ درصد از کل جمعیت ایران بیکار خواهند شد. در کشوری با داشتن منابع غنی نفت و گاز و...، این ارقام نگران‌کننده در نهایت مشکلات بیشتری را برای کشور ایجاد می‌کنند (parvaiz Iqbal & other, 2021: 5).

بنابراین با وجود اینکه ایران قصد دارد با پیگیری سیاست همسایگی و نگاه آسیایی در سیاست خارجی آسیب‌پذیری خود در قبال تحریم‌ها را کاهش دهد اما تحقق این هدف فرایندی است که مستلزم قراردادن حل و فصل موضوع هسته‌ای در سرفصل اصلی سیاست خارجی می‌باشد. زیرا با پیش‌گرفتن سیاست همسایگی و نگاه آسیایی توسط ایران، به شدت الزامات ساختاری نهادها، محدودیت‌های گسترده‌ای برای دولت در سیاست خارجی به وجود آورده و آزادی عمل دولت برای تحقق سیاست همسایگی و نگاه آسیایی را محدود کرده است. بنابراین ایران باید حل و فصل موضوع

هسته‌ای را مقدم بر جهت‌گیری جدید دولت در سیاست خارجی قرار دهد. بدین جهت، یکی از اقدامات ضروری برای سیاست همسایگی؛ اعتماد ورزی به همسایگان به‌عنوان مقدمه‌ای برای اعتمادسازی است (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۳).

6-5- پیامدهای پرونده هسته‌ای بر عضویت ایران در شانگ‌های از منظر نهادگرایی نئولیبرال

از منظر نهادگرایی نئولیبرال، نهادهای بین‌المللی مانند سازمان همکاری شانگ‌های نقش کلیدی در تقویت همکاری، ترویج منافع مشترک و کاهش تضادهای بین دولت‌ها دارند (Keohane, 1984: 6) برای ایران، عضویت در سازمان همکاری شانگ‌های با انگیزه پیگیری مزایای ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بوده است. با این حال، توانایی ایران برای استفاده کامل از مزایای عضویت در سازمان همکاری شانگ‌های به دلیل مناقشه هسته‌ای ادامه دار و نظم نهادی گسترده‌تر حاکم بر روابط بین‌الملل محدود شده است.

مناقشه هسته‌ای ایران و غرب، به ویژه روابط چالشی با آمریکا و اروپا بر سر برنامه هسته‌ای‌اش، پیامدهای گسترده‌ای بر تعاملات بین‌المللی تهران داشته است. در چارچوب نهادگرایی نئولیبرال، سازمان همکاری شانگ‌های نشان دهنده راهی است که از طریق آن ایران می‌تواند سیستم‌های غرب محور را دور بزند و با قدرت‌های غیرغربی، به‌ویژه چین و روسیه که کمتر تحت فشار تحریم‌های آمریکا قرار دارند، همسو شود. تمایل به کسب حمایت اقتصادی و امنیتی از سوی سازمان همکاری شانگ‌های بر حرکت ایران به سمت چندجانبه گرایی در منطقه تأکید می‌کند (Tazmini, 2020: 44) با این وجود، علیرغم اشتیاق ایران برای تعامل با سازمان همکاری شانگ‌های، مناقشه هسته‌ای محدودیت‌های قابل توجهی را برای منافع آن ایجاد کرده است. نهادگرایی نئولیبرال تأکید می‌کند که نهادها، اگرچه برای تسهیل همکاری طراحی شده‌اند، اما توسط پویایی‌های قدرت گسترده‌تر و منافع دولت‌های مسلط در درون آنها شکل می‌گیرند. برای ایران، موضوع هسته‌ای در حال انجام به تعامل نهادی پراکنده با سازمان همکاری شانگ‌های منجر شده است. در حالی که چین و روسیه حمایت کرده‌اند، سایر اعضای سازمان همکاری شانگ‌های در ادغام کامل ایران در ابتکارات کلیدی اقتصادی محتاطانه عمل نموده و نسبت به عواقب نقض تحریم‌های بین‌المللی محتاط هستند (kozhanov, 2019: 51).

علاوه بر این، چارچوب نهادی سازمان همکاری شانگ‌های که بر ثبات و همکاری امنیتی منطقه‌ای تأکید دارد، تحت تأثیر قوانین و هنجارهای بین‌المللی است. اگرچه عضویت ایران در سازمان همکاری

شانگهای راه‌هایی را برای همکاری در انرژی و تجارت باز نموده، اما مناقشه هسته‌ای ایران را در موقعیتی آسیب‌پذیر در سازمان قرار داده و توانایی آن را برای استخراج منافع بلندمدت ژئواکونومیک محدود می‌کند. همانطور که رابرت کوهن اشاره می‌کند، ترتیبات سازمانی براساس ترجیحات بازیگران قدرتمند شکل می‌گیرد و پتانسیل کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای مشروط به حل مناقشه هسته‌ای و لغو تحریم‌ها است (Keohane, 1984: 22)

نتیجه‌گیری

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای تعامل پیچیده‌ای از فرصت‌ها و چالش‌ها را ارائه می‌دهد که به شدت تحت‌تأثیر مناقشه هسته‌ای در حال انجام است. علیرغم مزایای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ارائه شده توسط عضویت - مانند افزایش همکاری‌های منطقه‌ای، دسترسی به پروژه‌های اقتصادی و موازنه قوا در برابر فشارهای غرب - این مزایا همچنان با محدودیت‌های نهادی تحمیل شده توسط مناقشه هسته‌ای و تحریم‌ها محدود می‌شوند. همانطور که توسط نهادگرایی نئولیبرال مطرح می‌شود، سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری شانگهای در چارچوبی عمل می‌کنند که براساس قوانین، هنجارها و منافع قدرت‌های مسلط مانند چین و روسیه شکل گرفته است. بنابراین، خودمختاری راهبردی که ایران از طریق سازمان همکاری شانگهای به دنبال آن است، منوط به توانایی این کشور برای همسویی با این هنجارهای نهادی و حل تنش‌های هسته‌ای خود است.

بدون حل و فصل پرونده هسته‌ای، ظرفیت ایران برای استفاده از طیف کامل فرصت‌ها در سازمان همکاری شانگهای محدود باقی مانده و توانایی این کشور برای تغییر قابل توجه موقعیت منطقه‌ای و جهانی خود را کاهش می‌دهد. موضوع هسته‌ای نه تنها دسترسی ایران به طیف کامل منافع در سازمان همکاری شانگهای را محدود می‌کند، بلکه با توجه به تحریم‌های مستمر غرب و اثرات موجدار احتمالی بر سایر کشورهای عضو، این سازمان را در موقعیتی متزلزل در رابطه با همکاری‌های اقتصادی و امنیتی عمیق‌تر با ایران قرار می‌دهد.

بنابراین، در حالی که عضویت در سازمان همکاری شانگهای راهی برای ایران برای مقابله با نفوذ و تحریم‌های غرب ارائه می‌کند، مناقشه هسته‌ای به عنوان یک محدودیت ساختاری عمل می‌کند و نیاز ایران را برای اولویت‌بندی حل این موضوع تقویت می‌کند. تا آن زمان، مشارکت ایران در سازمان همکاری شانگهای احتمالاً بیشتر نمادین خواهد بود تا ماهوی و آرزوهای گسترده‌تر ایران تحت چشم‌انداز بیست ساله برای رهبری منطقه‌ای با محدودیت‌های مداوم در نظم بین‌المللی مواجه خواهد شد.



فهرست منابع

- افتخاری، رضا؛ نیاکویی، سید امیر؛ محمدی، جمال (۱۴۰۳). الگوی کنشی اعضای سازمان همکاری شانگهای در نظم آمریکایی در حال گذار و انتقال قدرت. راهبرد سیاسی، ۸(۲۹)، ۲۵۷-۲۸۲.
- بصیری، محمد علی؛ آئینه وند، حسن (۱۳۹۵). مقایسه رویکرد روسیه چین و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران. پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۵(۱)، ۲۵-۵۵.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۷). شانگهای، دلایل تاخیر در عضویت ایران. مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۹(۷۴)، ۱۵۹-۱۸۶.
- جمشیدی، حبیب‌الله؛ مهکویی، حجت؛ گودرزی، مهناز؛ مومنی، مهدی (۱۳۹۹). تاثیر پذیری ژئوپلیتیکی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در آسیای مرکزی. راهبرد، ۲۹(۹۶)، ۱۰۳-۱۳۶.
- جمشیدی، محسن؛ کبیری، زهره (۱۴۰۱). محدودیت‌های توسعه‌ی روابط ساختاری (سیاسی - اقتصادی) ایران و چین در دهه‌ی اخیر. راهبرد سیاسی، ۶(۲۳)، ۹۳-۱۱۰.
- حسینی، سید محمد (۱۴۰۱). موانع تحقق سیاست همسایگی و نگاه آسیایی در دولت سیزدهم. سیاست خارجی، ۳۶(۲)، ۵-۲۶.
- حکیم، حمید؛ ایران نیا، محبوبه (۱۴۰۰). تاثیر عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای بر وزن ژئوپلیتیکی آن در منطقه آسیای مرکزی. سازمان‌های بین‌المللی، ۵(۱۴)، ۵-۳۰.
- حیدری، مهدیه (۱۴۰۱). دلایل توسعه روابط خارجی عربستان سعودی و چین. پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۱)، ۱۱۷-۱۴۲.
- درج، حمید؛ بصیری، محمد علی (۱۴۰۰). تأثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳(۱)، ۲۴۳-۲۶۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴). نظریه‌ها و فرانظریه‌ها در روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ جعفری، هرمز (۱۴۰۰). نقد و بررسی مفروض‌های هستی‌شناسانه نهادگرایی نولیبرال. پژوهش سیاست نظری، ۱۶(۳۰)، ۲۹-۵۶.
- رستمی، فرزاد؛ صالحی کرتونجی، مجتبی (۱۳۹۵). راهبرد امنیتی آمریکا و گرایش ایران به شانگهای. روابط خارجی، ۸(۳۱)، ۵۵-۸۴.
- رضایی، علی رضا؛ صالحی، عباس (۱۳۸۹). سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی، ۳(۹)، ۵۱-۷۶.

- رفت، مجتبی (۱۴۰۰). بررسی تاثیر نزدیکی عربستان و چین بر موقعیت منطقه ای ایران در خاورمیانه. جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۸)، ۲۲۵-۲۴۲.
- شجاعیان، فاضل؛ شفیعی، اسماعیل؛ شفیعی، نوذر (۱۳۹۶). نقش آفرینی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (فرصت ها و تهدیدها). پژوهش های سیاسی و بین المللی، ۸(۳۳)، ۲۹۷-۳۲۷.
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۰). جایگاه جمهوری اسلامی ایران در ارتقای ظرفیت های امنیتی سازمان همکاری شانگهای. پژوهشنامه سیاست خارجی، ۵(۳۰)، ۲۳۳-۲۶۰.
- شفیعی، نوذر؛ کمالی زاده، یونس (۱۳۸۹). تبیین روابط چین و آمریکا در برابر سازمان همکاری شانگهای، بر اساس نظریه موازنه قوا. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۴(۷)، ۵۱-۷۵.
- صفوی، سید یحیی؛ جعفری نور، محمد مهدی (۱۴۰۰). عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای ژئوپلیتیکی نظامی، سیاسی و اقتصادی آن بر موازنه قوا ایالات متحده آمریکا. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۱۰)، ۵۵-۸۱.
- طباطبایی، سید مرتضی؛ اسماعیل پور روشن، علی اصغر؛ دانیالی، تهمنه؛ لطفی، حیدر (۱۳۹۹). ارزیابی همگرایی های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای. نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۴۶)، ۱۷-۳۴.
- طباطبایی، سید مرتضی؛ اسماعیل پور روشن، علی اصغر؛ دانیالی، تهمنه؛ لطفی، حیدر (۱۳۹۹). آسیب شناسی دورنمای همگرایی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای: مطالعه موردی چین. جغرافیا برنامه ریزی منطقه ای، ۱۰(۳۸)، ۵۶۷-۵۹۲.
- غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۶). پرونده هسته ای ایران به روایت اسناد. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. منصوری، میلاد (۱۳۹۴). ایران و سازمان همکاری شانگهای پس از برجام. دومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، استانبول - ترکیه.
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۸). سازمان های بین المللی. تهران: نشر میزان.
- میرعباسی، سید باقر؛ نوذری، عبدالستار (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران، قبل و بعد از برجام. راهبرد سیاسی، ۶(۲۳)، ۱-۳۳.
- نجاتی، محمد؛ بلاغی اینالو، یاسر (۱۴۰۱). تحلیل منافع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای: رویکرد تعادل عمومی قابل محاسبه. پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۲(۲)، ۸۹-۱۱۸.
- نونزاد، محمد؛ کریمی، مرتضی (۱۳۹۷). تقابل روسیه و آمریکا در اکراین و تاثیر آن بر منافع ملی ایران. مطالعات روابط بین الملل، ۱۱(۴۱)، ۱۴۵-۱۷۵.

- <https://www.english.customs.gov.cn>
www.bloomberg.com/news
- Alyson J. K., & Bailes, P. D., & Pan G., & Mikhail T. (2007). The Shanghai Cooperation Organization. *SIPRI Policy Paper No.17. Stockholm International Peace Research Institute.*
- Axelrod R., & keohane R. (1985). Achieving Cooperation under Anarchy, Strategies and Institutions. *World Politics*, Vol.38,No,1,PP.226-.452 .
- Aylin U. N. (2007). Iran and The Shanghai Cooperation Organization: Is it possible for Iran to become full member of the Shanghai Cooperation Organization under pressure of nuclear issue?. *Political Landscape across Central Asia, Dialogue (A quarterly journal of Astha Bharati)*.Vol,6. No,2 .
- Buzan b. (1999). *People, State and Fear, Translation of Strategic Studies Research Institute*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. (In Persian)
- Grajewski, N. (2020). Russia and Iran in Greater Eurasia. *Middle East Insights*.
- Indian Council of World Affairs (2023): *Iran's Membership of SCO: Expectations vs Reality*
 DOA link:
https://icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=8557&lid=6089
- Iran Watch (2023): *Iran Signs Memorandum to Join Shanghai Cooperation Organization*
 DOA link:
<https://www.iranwatch.org/library/government/iran/signing-memorandum-shanghai-cooperation>
- Keohane R. (1984). After Hegemony: Cooperation and Discord in World Political Economy. *international Affairs*.
- Keohane, R. O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton University Press, DOA: <https://doi.org/10.1515/9780691188477>
- Kozhanov, N. (2019). Iran's Policy Towards the Shanghai Cooperation Organization. *Middle East Policy*, 26(3), 45-65. DOA: <https://doi.org/10.1111/mepo.12450>

- Marcel d. H. (2007). The Shanghai Cooperation Organisation and the OSCE: Two of a kind?. *Helsinki Monitor: security and Human Rights* .No.3
- Mohammad, A. & Mousavi, E. Kh. (2013). Iran and the Shanghai Cooperation Organization. *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol.4, No.1
- Peter, M. H., & Ernst, B. H. (2001). Pragmatic Constructivism and the Study of International Institutions.
- Pourya, N. (2021). Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization (SCO) Economic, Trade and Political Affairs. *National Interest academic journal*. No.6 .
- Pervaiz Iqbal, R., & Bukhari, S. M. (2022). Iran as a Permanent Member of SCO: Scope and Challenges. *Journal of Development and Social Sciences*, Vol. 3, No. 2.
- Rashid, A. (2018). The Shanghai Cooperation Organisation: Its role and place in the development of Eurasia. *Journal of Eurasian Studies* 9.
- Tazmini, G. (2020). *Iran and Eurasia: From Strategic Alliance to Strategic Autonomy*. Routledge. DOA: <https://doi.org/10.4324/9780429276851>
- The Washington Institute (2022): *Iranian Membership in the Shanghai Cooperation Organization: Motivations and Implications* DOA link: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/iran-sco-membership-motivations>
- Will, G., & Taylore R. (2021). China- Iran Relation: A Limited but Enduring Strategic Partnership. *U.S.-China Economic and Security Review commission*.
- Omidi, A., & Shafiei, N., & Talei Jour, R. (2016). America and coercive diplomacy against the nuclear program of the Islamic Republic of Iran. *Security Research Quarterly*, 57 series (in Persian)